

## BIBLIOGRAPHY

### قسطاس الاطبا اثر نورالدین محمد شیرازی، پزشک ایرانی تبار دربار هند در عصر صفوی

#### *Ghestas-ol-Atebba* Written by Nouredin Mohammad ibn Abdollah Shirazi, Persian Physician in Indian Court in Safavid Era

Jalil Nazari<sup>1</sup>, Mohammad Afrasiabipour<sup>2</sup>, Neda Broumandi<sup>3</sup>

1. Islamic Azad University, Yasouj, Iran

2. Payame Noor University, Shiraz, Iran

3. M.A. in literature

**Correspondence:** Mohammad Afrasiabipour; M.A. in Persian Literature, Payame Noor  
University, Shiraz, Iran.  
afrasiabipour@gmail.com

#### Abstract

*Ghestas-ol-Atebba*, written by Nouredin Mohammad ben Abdollah Shirazi, known as Nouredin Mohammad Shirazi, an Iranian physician, scholar and Persian author in the Indian subcontinent in the eleventh century A.H.

He has some works such as *Alfazol-Advieh*, *Tebbe-Darashekouhi*, *Ghestas-ol-Atebba* and etc.

His book, *Ghestas-ol-Atebba*, has a simple prose and belongs to the Saffavi period. This book includes medical terminologies, the name of physicians and medical words in Persian, Arabic, Greek and Hindi that has been written by Khanehzad Khan Ben Mahabat Khan, in India in (1040 LH).

This article is an attempt to introduce the book and author of *Ghestas-ol-Atebba*.

The importance of the above-mentioned book is being introduced as well.

**Key words:** *Ghestas-ol-Atebba*, Medical words, Nouredine Shirazi, Manuscript

Received: 7 Aug 2014; Accepted: 5 Oct 2014; Online published: 15 Feb 2015

Research on History of Medicine/ 2015 Feb; 4(1): 43-52

جلیل نظری<sup>۱</sup>

محمد افراسیابی پور<sup>۲</sup>

ندا برومندی<sup>۳</sup>

۱- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، یاسوج، ایران  
۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام  
نور، واحد شیراز، شیراز، ایران  
۳- کارشناس ارشد ادبیات

نویسنده مسئول: محمد افراسیابی پور؛ کارشناس ارشد  
زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، واحد شیراز،  
شیراز، ایران  
afrasiabipour@gmail.com

### خلاصه مقاله

کتاب *قسطاس الاطبا* نوشته نورالدین محمدبن عبدالله شیرازی، معروف به نورالدین محمد شیرازی، پزشک و ادیب و نویسنده ایرانی تبار فارسی نویسنده قاره هند در قرن یازدهم هجری قمری است. وی آثاری در زمینه طب از قبیل *الفاظ الادویه*، *طب داراشکوهی*، *قسطاس الاطبا* و... دارد.

کتاب *قسطاس الاطبا* وی، نثری ساده دارد که متعلق به دوره صفویه است. این کتاب شامل اصطلاحات پزشکی و نام حکما و لغات فن پزشکی فارسی، عربی، یونانی و هندی است که در سال ۱۰۴۰ق به نام خانۀ زادخان بن مهبت خان، در هند تألیف یافته است.

در این مقاله، تلاش شده است تا ضمن معرفی *قسطاس الاطبا* و مؤلف آن، دلایل ارزش کتاب بیان شود.

**واژگان کلیدی:** *قسطاس الاطبا*، لغات پزشکی، نورالدین شیرازی، نسخه خطی

### مقدمه

با جست و جو در کتابهای سبک شناسی و تاریخ ادبیات و دیگر منابع مربوط به دوره صفویه (قرن دهم تا میانه قرن دوازدهم) که اوضاع سیاسی اجتماعی و دیگر جنبه های این دوره را نشان می دهد، درمی یابیم که در دوره صفویه بسیاری از ارباب ذوق و کمال، به دو سبب، مهاجرت را به ماندن در ایران ترجیح دادند و بیشتر آنها به هندوستان رفتند.

به طور کلی، صاحب نظران یکی از علت های این مهاجرت را سخت گیری های متعصبانه دولت و فقهایی می دانند که با دولت همدست شده، سیاست و روحانیت را یک کاسه کرده بودند و علت دیگر، اشتغال دولت به جنگ های پی در پی بود؛ بنابراین، از شاعر گرفته تا واعظ و نویسنده و هر هنرمندی که توانست از ایران بگریزد، همگی به سوی هند روانه شدند. با وجود این، دهلی نه تنها دربار ثانی ایران، بلکه دربار اصلی ایران شد؛ زیرا «رواج زبان فارسی و ادبیات و علوم در دربار دهلی، زیاده از دربار اصفهان بوده است و ظاهراً که در دربار اصفهان، پادشاه و خاصان در گاه به زبان ترکی صحبت می کردند. ولی در دربار دهلی، شاه و درباریان همه به فارسی سخن می گفتند و در آن عهد، زبان فارسی در هند زبان علمی و زبان مرقی و دلیل شرافت و فضل و عزت محسوب می شد و در دربار اصفهان هرگز زبان فارسی این اهمیت را پیدا نکرد»<sup>۱</sup>.

از کتاب هایی که در این دوره در هندوستان تألیف شده، می توان به تاریخ های معتبری همچون *منتخب التواریخ* تألیف عبدالقادر بداونی و *اکبرنامه* تألیف ابوالفضل دکنی اشاره کرد. علاوه بر کتاب های ذکر شده که در زمینه تاریخ نوشته شده است، کتاب ها و ترجمه های دیگری هم وجود دارد؛ مانند *طوطی نامه* تألیف ضیاء نخشی و *ترجمه مهلبهارتا* موسوم به *رزم نامه* و *ترجمه رامایانا* به قلم عبدالقادر بداونی. همچنین، فرهنگ نامه هایی نوشته شده است، مانند *فرهنگ جهانگیری* تألیف جمال الدین حسین انجو در سال ۱۰۱۷ق و *برهان قاطع* تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی در سال ۱۰۶۲ق و چندین فرهنگ دیگر که همه این کتاب ها به زبان فارسی تألیف شده و اعتبار این زبان را در هند مدلل می کنند. بنابراین، دوره صفویه عهد انحطاط بسیاری از علوم همچون دانش های عقلی و طبیعی در ایران و نیز، انتقال آنها به کشورهای مجاور است؛ به گونه ای که گروه کثیری از دانشمندان، پزشکان، شعرا و هنرمندان، موطن خود را ترک کردند و راه مهاجرت در پیش گرفتند.

از آنجا که پادشاهان هند بیش از ممالک دیگر، مشوق علم و هنر و پزشکی بودند و دانشمندان و هنرمندان و پزشکان را با آغوش باز می پذیرفتند، اکثر پزشکان مهاجر، به هند پناه بردند و در دربار شاهان این سرزمین ارج و مقام یافتند و منشأ خدمات و تألیفات بسیار شدند.

از تألیفات متعلق به آن دوره، کتاب *قسطاس الاطبا* تألیف پزشک نامی دوره صفویه، نورالدین محمد عبدالله شیرازی است که در ادامه، آن را معرفی می کنیم.



### شرح حال مؤلف قسطاس الاطب

در باره کتاب قسطاس الاطب و مؤلف آن، تحقیقات مفصل و شایانی، چنان که باید، صورت نگرفته است؛ ولی اکثر پژوهندگان وی را چنین معرفی کرده اند: «عین الملک نورالدین محمد بن صفی الدین عبدالله بن عین الملک علی، معروف به نورالدین محمد شیرازی، پزشک و ادیب و نویسنده ایرانی تبار و فارسی نویسنده قاره»<sup>2</sup> در قرن یازدهم هجری قمری بود. وی پسر حکیم عین الملک دوایی شیرازی (در گذشته ۱۰۰۳ق) است که در کتاب پزشکان نامی پارس، اثر محمد تقی میر، از وی چنین یاد می شود: «عبدالله بن علی طیب شیرازی، ملقب به عین الملک از اطبای معروف قرن دهم هجری و معاصر با اکبر شاه گورکانی است»<sup>3</sup> او از طرفی، خواهرزاده فیضی و ابوالفضل علامی، دکنی ناگوری، است که هر دو از نامداران قرن دهم و از پیشگامان تجدّد نثری یعنی تغییر سبک نثر فارسی، در هندوستان به شمار می روند.

به گواه تاریخ، نورالدین محمد نزد پدر و دایی خود ابوالخیرین مبارک و دیگر دانشمندان درس خواند و در زمره مقربان درگاه شاه جهان گورکانی (۱۰۳۷ تا ۱۰۶۸ق) درآمد و شاه جهان وی را به لقب عین الملک مخاطب ساخت.<sup>4</sup> منابع متعددی که به اختصار شرح حال نورالدین محمد شیرازی را بیان کرده اند، شهرت او را آن گونه ذکر کرده اند که پیش از این اشاره شد؛ حال آنکه، در نسخه خطی آستان قدس رضوی و نیز، دو تلخیصی که از این کتاب وجود دارد، بعد از نام نویسنده قسطاس الاطب پسونند «قریشی» را اضافه کرده اند و به صورت «نورالدین محمد عبدالله عین الملک قریشی شیرازی» نوشته اند. بنابراین، به نظر نگارنده، درباره نام کامل مؤلف قسطاس الاطب، بر مبنای تحقیقاتی که تاکنون انجام گرفته و بدان صورت ضبط کرده اند، جای تردید است؛ زیرا این منابع هنگام معرفی نورالدین محمد مؤلف قسطاس الاطب، فقط به نقل قول کردن از کتاب هایی از قبیل الدرریعه و نزهة الخواطر و تاریخ پزشکی ایران نوشته سیریل الگود، بسنده کرده اند و این موضوع بیانگر این است که صاحبان این منابع، ظاهراً نسخ خطی قسطاس الاطب را ندیده اند.

بر اساس منابع موجود، نورالدین در هند به دنیا آمده است؛ ولی سال مرگ وی معلوم نیست. با توجه به اینکه کتاب داراشکوهی که آخرین اثر نورالدین است، در سال ۱۰۵۶ق خاتمه پذیرفته، مسلماً مرگ این حکیم بعد از تاریخ ذکر شده اتفاق افتاده است.

### آثار مؤلف

آثار نورالدین محمد شیرازی را در کتاب هایی همچون دانشنامه ادب فارسی<sup>5</sup> و راهنمای فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان<sup>6</sup> و پزشکان نامی پارس<sup>7</sup> چنین بر شمرده اند:

۱. الفاظ ادویه که در سال ۱۰۳۸ق به نام شاه جهان نوشته شده «و در یک مقدمه و چهار فایده (۱. علامات تصحیح اعراب؛ ۲. علامات زبان هر دیار؛ ۳. طبایع و خاصیت دواها و علامات منسوب به آنها؛ ۴. در بیان مختار و شربت و مصلح و بدل دوا و علامات آنها)، یک نتیجه در الفاظ ادویه به ترتیب الفبا که در آن نام های هندی، ترکی، سریانی، رومی، فارسی و عربی مفردات ادویه آمده و یک خاتمه در ادویه سته کثیر المنفعه است»<sup>8</sup>.
۲. تشریح الادویه در ترجمه لغات دارویی که در کتاب های یونانی، عربی، ترکی و هندی به کار رفته است.
۳. طب داراشکوهی یا علاجات داراشکوهی که مجموعه ای در اصول طب و درمان بیماری های مختلف است. «این کتاب، مهمترین تألیف نورالدین است که در سال ۱۰۵۶ق به نام محمد داراشکوه [پسر ارشد شاه جهان، پادشاه هند و برادر اورنگ زیب] تألیف یافته و آن را از نظر کمی، در سطح قانون ابوعلی سینا و ذخیره خوارزمشاهی سید اسماعیل جرجانی دانسته اند»<sup>9</sup>.
۴. قسطاس الاطب که در سال ۱۰۴۰ یا ۱۰۵۰ق به نام خانه زاد خان بن مهابت خان نوشته شده و فرهنگ واژه ها و اصطلاحات پزشکی است به ترتیب الفبا.
۵. انیس المعالجین (۱۸۸۱م) که قرا بدین [علم به خواص ادویه و گیاهان دارویی]

- 2- Anousheh, 1380: 2610.
- 3- Mir, 1348: 33.
- 4- Anousheh, 1380: 2610.
- 5- Ibid.
- 6- Mounzavi, 1362: 930.
- 7- Mir, 1348: 206.
- 8- Anousheh, 1380: 2610.
- 9- Sarmadi, 1378: 84.



مختصری است همراه با تصریح مرض و تنقیح سبب.  
۶. جامع الاطبا.

۷. سبب سته رشیدی.

۸. مراتب الوجود در اصطلاحات صوفیان در توحید که در برخی منابع از مؤلف آن با عنوان محمد بن نورالدین خفزی شیرازی یاد شده است.

۹. انشاء طرب الصبیان که مجموعه نامه هایی است که برای آموزش گرد آمده و برخی از آن‌ها واقعی است و نام کسان آمده است. این مجموعه را نورالدین به روزگار جهانگیر گورکانی (۱۰۳۷ تا ۱۰۶۸ ق) در سال ۱۰۳۷ ق گرد آورده است.

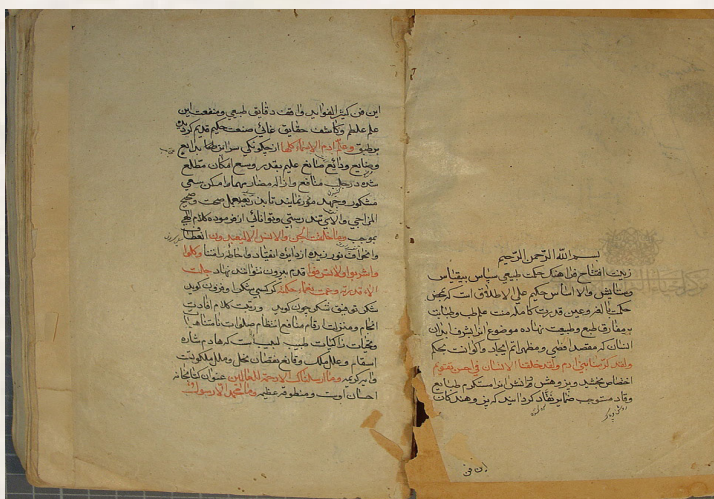
۱۰. انشای عیار دانش که مجموعه دیگری مشابه مجموعه پیشین، ولی بزرگتر از آن است.

۱۱. لطیفه فیاضی که مجموعه نامه های شیخ فیضی یا فیاضی است و نورالدین محمد آن را در سال ۱۰۳۵ ق گرد آورده و به حامی خود امان الله حسینی، مخاطب به خانه زادخان فیروز جنگ، پسر مهابت خان زمانه بیگ پیشکش کرده است.

۱۲. رقصات شیخ ابوالفضل که مجموعه نامه های خصوصی ابوالفضل علامی به دوستان و هم روزگارانیش است و نورالدین محمد آن‌ها را گرد آورده است.

نورالدین شعر نیز می گفت و یک مثنوی در مدح شاه جهان گفته که دلیلی بر تسلط این طیب به شاعری است. این بیت نغز از سروده های اوست که در مقدمه کتاب طب داراشکوه آمده است:

نماید در دل من آب و این سیه چشمان هنوز زین دل ویران، خراج می طلبند<sup>10</sup>



تصویر ۱. صفحه نخست از نسخه مدرسه خان یزد، به شماره ثبت ۱۱۱، کتابت شده در تاریخ ۱۰۹۰ ق.

### شیوه تنظیم کتاب قسطاس الاطبا و محتوای آن

مؤلف کتاب قسطاس الاطبا اثر خود را مانند دیگر نویسندگان، با حمد و ستایش خداوند آغاز کرده و پس از ذکر نام خدا و ذکر نام حضرت رسول، موضوع کتاب را که همانا طب و طبابت باشد، بیان کرده است.

«نگارنده این انموذج و خیر مختصر مفید، اقل الانام نورالدین محمد عبدالله قریشی شیرازی عفی عنهم که به حسب جبلت و تخم طینت نسبت توارث به طب و طبابت دارد، از مبادی انکشاف صبح تمیز همگی اوقات، مصروف جست و جوی نکات این علم شریف مغشوف و گفت و گوی کلمات چنین فن منیف بوده...»<sup>11</sup>

مؤلف کتاب قسطاس الاطبا در تدوین این کتاب و تنظیم آن، شیوه‌ای



خاص به کار برده است. این کتاب به ترتیب حروف آغاز نام‌ها (تهجی) در ۲۷ تعلیق (که مراد از آن حرف نخستین است) مرتب شده است که هر تعلیق دارای دو یا چند تلصیق (که اشاره دارد به حرف دوم که متصل به حرف اول است) و هر تلصیقی منطوی به چندین تلحیق (که از آن حرف آخر مراد است) است. مؤلف منظور از سربندهای تعلیق و تلصیق را به ترتیب، باب و فصل، عنوان کرده است. او در بیتی به ماده تاریخ تألیف کتاب خود به سال ۱۰۴۰ق، موافق جمله «الفاظ جید طب» اشاره کرده است.

این نسخه گرامی استاد شیخ و شاب است  
گر ای بقی بسنجی ز انجام سال مه را  
تلصیق جای فصل و تعلیق جای باب است  
الفاظ جید طب تاریخ این کتاب است<sup>12</sup>

به طور کلی، محتوای این کتاب شامل اصطلاحات پزشکی و نام حکما و لغات فن پزشکی فارسی، عربی، یونانی و هندی است. این مطالب برگرفته از کتاب‌های معتبر لغت و طب است که نام آن‌ها در دیباچه مؤلف با فواید و زوایدی ذکر شده که نگارنده اش از پزشکان شنیده یا خود یافته است.

«...الفاظ مستعمله و اسامی حکمای کامله و مصطلحه اطبای عامله و لغات عربیه و عجمیه مستنبط از کتب معتبره مثل شفا و قانون و حاوی و موجز... و غیرهم، با فواید زواید که به مشافهه و معاینه از دانشوران پزشکی فن به کاخ صماخ رسیده، به قدر فهمیدگی و دریافت اندکی از بسیار و بسیاری از بیشتر در سلک عبارت کشیده...»<sup>13</sup>

از دیگر مطالب این کتاب، ابیاتی فارسی است که بعضی از آن‌ها را خود مؤلف سروده است که با آوردن عبارت «لمؤلفه» قبل از این ابیات، مشخص می‌شوند.

نگشود دل تو بقی از باده الفاظ  
ته جرعۀ پیمانۀ معنی به کف آور<sup>14</sup>

### ارزش کتاب قسطاس الاطبا

در بیان ارزش و اهمیت کتاب قسطاس الاطبا، شایان ذکر است که این کتاب از آثار جامع و ارزنده در حوزه فرهنگ لغت پزشکی است که بسیاری از داروها و امراض و بیماری‌هایی را که در آن زمان (زمان مؤلف) وجود داشته، شرح کرده است؛ زیرا مؤلف، آن‌چنان که خود گفته، به بسیاری از کتابهای معتبر پزشکی پیش از خود نظیر حاوی، شفا، جامع ابن بیطار و... مراجعه و از آن‌ها استفاده کرده است. این مسئله باعث می‌شود که این اثر نیز از منابع معتبر در تحقیقات به‌شمار آید و از ارزش و اهمیت علمی برخوردار باشد. برخی از مطالب کتاب از این گونه است:

داروها: «اسیرم آب/ نطول: آبی که در او ادویه بجوشانند و بدن بیمار بدان بشویند»<sup>15</sup>، «اکسیرین: مرکبی باشد در داروهای چشم که گوشت برویند...»<sup>16</sup>، «سعوطات: چیزهای روانی که در بینی چکانند»<sup>17</sup>، «سفوفات: داروهای خشک سائیده که همان‌طور خشک در دهن کنند و به آب و غیر آن بخورند»<sup>18</sup>، «سکوبات: داروهای سیال از آب یا روغن و مانند این که بر اعضا ریخته می‌شود، اندک اندک از نزدیک»<sup>19</sup>.

امراض و بیماری‌ها: «ابلیمیا: صرع است و گویند تشنجی است که مانع می‌شود از حس و حرکت»<sup>20</sup>، «حُمرة: ورمی است مرکب از صفرا و خون ردی، یعنی سرخ باد»<sup>21</sup>، «حُمی مواظبه: تب بلغمی است که هر روز به نوبت آید»<sup>22</sup>، «ترایمان: مرض اسهال»<sup>23</sup>، «تمر: آب مروارید...»<sup>24</sup>، «خنام: مرض بدنام که اسپ و استر و خر را به هم رسد»<sup>25</sup>.

همچنین، در بخش‌های بسیاری از کتاب قسطاس الاطبا، به دنبال شرح لغات و اصطلاحات، به معادل‌های آن‌ها به زبان هندی و تازی (عربی) اشاره کرده است که این نشان‌دهنده رواج و جامعیت این اثر، در آن دوره و دیار است، مانند «آسیب: به هندی، وهگه و به تازی، صدمه»<sup>26</sup>، «آرخ یا خال گوشتی: به هندی، مسا/ «مسه» و به تازی، ثولول»<sup>27</sup>، «چیچک و آبله: به هندی، سیتلا و به تازی، جُدری»<sup>28</sup>، «خوی دَرْد: به هندی، انگلیره و به تازی، داخس»<sup>29</sup>.

جنبه دیگر ارزش آن، فرهنگ گونه‌بودن کتاب قسطاس الاطباست که باتوجه به

- 12- Ibid, A: 3.
- 13- Ibid, B: 2.
- 14- Ibid, A: 3.
- 15- Ibid, A: 16.
- 16- Ibid, A: 29.
- 17- Ibid, B: 118.
- 18- Ibid, A: 119.
- 19- Ibid, B: 119; A: 120.
- 20- Ibid, B: 6.
- 21- Ibid, A: 77.
- 22- Ibid, B: 77.
- 23- Ibid: 55.
- 24- Ibid: 59.
- 25- Ibid: 85.
- 26- Ibid: 3.
- 27- Ibid.
- 28- Ibid: 64.
- 29- Ibid, A: 86.



دیگر آثار نورالدین، جایگاه ویژه ای در شرح دیگر کتاب‌های وی دارد. از نکات دیگر نیز، جنبه تاریخی اثر است که حاوی مطالب عمده‌ای همچون اعلام تاریخی و جغرافیایی و لغات و اصطلاحات کهن و گونه‌های زبانی است که در عصر مؤلف حائز اهمیت بوده است، مانند «خوز: نام ولایتی است و به پای تحتانی نسبت خوزی نامند»<sup>30</sup>، «ختلان: نام ولایتی است از بدخشان که به کولاب اشتهار دارد»<sup>31</sup>، «سگز: نام کوهی است بس بلند از ولایت زابلستان که مابین کیج و مکران واقع است و دریای سند از پهلوئی آن می‌گذرد و گویند تولد رستم در آنجا واقع شد»<sup>32</sup>، «الموت: نام قلعه‌ای مرتفع است مشهور میان قزوین و گیلان واقع است، در زمان سلطان ملک شاه، آن قلعه را حسن صباح گرفت و مدت‌های مدید در تصرف ملاحظه بود»<sup>33</sup>.

لغات و اصطلاحات کهن و گونه‌های زبانی: «فریشتگان»<sup>34</sup>، «جفسیدن: چسپیدن»<sup>35</sup>، «چرویدن: به معنی چاره‌جستن»<sup>36</sup>، «چَل: به معنی آلت تناسل، احمق و گول و مخفف عدد چهل»<sup>37</sup>، «چُوخیدن: به معنی لغزیدن»<sup>38</sup>.

### ویژگی‌های سبکی قسطاس الاطبایا

نثر کتاب قسطاس الاطبایا مربوط به دوره صفویه است و بیشتر خصوصیات نثر ساده آن دوره را دارد. نثر ساده‌ای که در آن، لغات و ترکیبات عربی و اشاره به آیات و در آمیختگی شعر و نثر وجود دارد.

«از جمله کتب معروف این شیوه، می‌توان به کتب داراشکوه که در هند نوشته شده است، اشاره کرد؛ از این رو، سبک نثر در ایران و هند، به خصوص نثر عمومی و کتب علمی در دوره صفویه نثری ساده و روان بود»<sup>40,39</sup>.

برخی مختصات سبکی که می‌توان در این اثر به آن‌ها اشاره کرد، به شرح زیر است:

۱. استفاده از آیات و عبارات و کلمات عربی  
 «و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>41</sup>، «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»<sup>42</sup>، «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا»<sup>43</sup>، «رَبِّ سَبِّحْ وَ تَمِّمْ بِالْخَيْرِ»<sup>44</sup>، «وَ الْعَهْدَةُ عَلَي الرَّأْيِ»<sup>45</sup>، «ثُلُول: آرخ»<sup>46</sup>، «رَمَص: چرک چشم»<sup>47</sup>، «أَجْهَر: روز کور»<sup>48</sup>، «أَحُول: کاجی چشم»<sup>49</sup>.

۲. در آمیختگی نظم و نثر<sup>50</sup>.

۳. وفور لغات و اصطلاحات ترکی و هندی  
 مصطلحات ترکی: «بجول: به معنی کعب»<sup>51</sup>، «بغرا: نام آتش مشهور»<sup>52</sup>، «توشک: به معنی نهالی»<sup>53</sup>، «جانق: به معنی کاسه»<sup>54</sup>، «دبیک: به معنی هاون چوبین»<sup>55</sup>، «قیماغ: به معنی شیر»<sup>56</sup>، «جغ: به معنی پرده‌ای است که چوب‌های باریک با ریسمان بیافند»<sup>57</sup>، «چک: به معنی کشیدن»<sup>58</sup>.

مصطلحات هندی: «وهگه: به معنی آسیب»<sup>59</sup>، «مسا یا مسه: به معنی، آرخ یا خال گوشتی»<sup>60</sup>، «باد گوله: به معنی غم باده»<sup>61</sup>، «توگری: به معنی سید کوچک»<sup>62</sup>، «سیتلا: به معنی آبله و چیچک»<sup>63</sup>، «بیره یا بیرهی: به معنی گلوله آرد»<sup>64</sup>، «بتاسه یا بتاسا: به معنی، حلوای کعب الغزال»<sup>65</sup>.

۴. جمع بستن با «ات»  
 «مخترعات»<sup>66</sup>، «علامات»<sup>67</sup>، «بخارات»<sup>68</sup>.

۵. تتابع اضافات  
 «زینت افتتاح فرهنگ حکمت طبیعی، سیاس بی قیاس والا اساس حکیم علی الاطلاق است که به محض حکمت بالغه»<sup>69</sup>.

۶. جمع بستن کلمات با «ان»  
 «گرفتن اعضا و کندن آن به ناخن»<sup>70</sup>، «اسپان»<sup>71</sup>، «بزرگان و اکابران»<sup>72</sup>.

۷. کاربرد «مر» پیش از مفعول  
 «چون ارّه مر نجار را»<sup>73</sup>، «و این قوت‌ها ضروری است مر بقای شخص را»<sup>74</sup>، «و نیز مرکبی است نافع مر امراض چشم را»<sup>75</sup>، «ذوات حافر را مانند لب است مر انسان را»<sup>76</sup>، «و مر او راست تصنیفات بسیار»<sup>77</sup>.

۸. استفاده از پسوندهای «ناک» و «کن»  
 «ریگ ناک»<sup>78</sup> و «چرکن»<sup>79</sup> و «شوخنکن»<sup>80</sup>.

- 30- Ibid.  
 31- Ibid: 80.  
 32- Ibid, B: 120.  
 33- Ibid, A: 29.  
 34- Ibid, B: 31.  
 35- Ibid, A: 71.  
 36- Ibid, B: 70.  
 37- Ibid: 70.  
 38- Ibid, A: 72.  
 39- Bahar, 1388: 251.  
 40- Shamisa, 1383: 216.  
 41- Shirazi, 1065 LH, A: 2.  
 42- Ibid: 1.  
 43- Ibid.  
 44- Ibid: 3.  
 45- Ibid: 8.  
 46- Ibid, B: 3.  
 47- Ibid.  
 48- Ibid, A: 10.  
 49- Ibid: 11.  
 50- Ibid: 1, 2, 3.  
 51- Ibid: 22.  
 52- Ibid, B: 43.  
 53- Ibid: 60.  
 54- Ibid, A: 63.  
 55- Ibid, B: 68.  
 56- Ibid: 70.  
 57- Ibid.  
 58- Ibid, A: 71.  
 59- Ibid, B: 3.  
 60- Ibid.  
 61- Ibid, A: 37.  
 62- Ibid, B: 37.  
 63- Ibid: 64.  
 64- Ibid, A: 110.  
 65- Ibid: 102.  
 66- Ibid: 4.  
 67- Ibid: 11.  
 68- Ibid: 3.  
 69- Ibid: 2.  
 70- Ibid: 84.  
 71- Ibid: 87.  
 72- Ibid, B: 129.  
 73- Ibid: 3.  
 74- Ibid, A: 25.  
 75- Ibid, B: 25.  
 76- Ibid, A: 64.  
 77- Ibid, B: 6.  
 78- Ibid: 107.  
 79- Ibid, A: 50.  
 80- Ibid: 135.





## ۹. سخت در نقش قید تأکید

«ورمی است سخت سوداوی»<sup>81</sup>، «و می گویند سخت کحلی رنگ است»<sup>82</sup>، «سخت زرد»<sup>83</sup>، «سخت شادی نمودن»<sup>84</sup>، «ورمی است سخت متحرک»<sup>85</sup>.

**معرفی نسخ خطی قسطاس الاطبا و ویژگیهای نگارش آن**

نسخه خطی کتاب قسطاس الاطبا، دارای ۲۷۲ برگ یا ۵۴۴ صفحه، به خط نستعلیق است که در هر صفحه ۱۹ سطر به طول ۲۶/۵ و به عرض ۱۶ سانتیمتر نگارش یافته است. این نسخه چنان که در ترقیمه آن ذکر شده، در سال ۱۰۶۵ق، تحریر یافته؛ ولی متأسفانه نام کاتب آن نوشته نشده است. این نسخه اکنون متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی است که به شماره ۷۶۷۵ ضبط شده است. از ویژگیهای نگارش نسخه، می توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. «ب» اغلب به شکل «ب» نوشته شده است؛ مانند «پهن»، «بزند»، «پوست»، «پستان»، «پنبه» و «چلیپا» که به صورت «پهن»، «ببزند»، «ببوست»، «بستان»، «ببنبه» و «چلیپا» در نسخه خطی نوشته شده است.

۲. «ج» به شکل «ح» نوشته شده است؛ مانند «چون»، «هیچ»، «چنانچه» و «چرم» که به صورت «جون»، «هیج»، «جنانجه» و «جرم» در نسخه خطی نوشته شده است.

۳. «ژ» بدون استثنا در سراسر نسخه، به صورت «ز» با یک نقطه نوشته شده است؛ مانند «دژ»، «دژم»، «دژخیم»، «دژهخت» و «دژآهنج» که به صورت «دز»، «دزم»، «دزخیم»، «دزهخت» و «دزآهنج» در نسخه خطی نوشته شده است.

۴. «گاف» فارسی همه جا، به صورت «کاف» نوشته شده است؛ مانند «دیگر»، «مگر»، «تکرک»، «کزنده»، «رک» و «جگر» که به جای دیگر، مگر، تگرگ، گزنده، رگ و جگر نوشته شده است.

۵. همزه «است» را در کتابت حذف کرده و کلمه را متصل نوشته است؛ «علی الاطلاقست»<sup>86</sup>، «حرار تیتست»<sup>87</sup>، «در دیست»<sup>88</sup>، «مضرتست»<sup>89</sup>، «معجونیتست»<sup>90</sup>، «اتصالیتست»<sup>91</sup>، «شهریتست»<sup>92</sup>.

۶. «های» غیرملفوظ را در اتصال به علامت جمع «ها»، در کتابت حذف می کند؛ «شاخها»<sup>93</sup>، «میوها»<sup>94</sup>، «لیفها»<sup>95</sup>، «پارها»<sup>96</sup>، «پبها»<sup>97</sup>.

۷. اغلب، «آذربایجان» را به صورت «آذربيجان» آورده است<sup>98</sup>.

۸. در بعضی مواضع، «اسب» را به صورت «اسپ» و «چسبان» را به صورت «چسپان» و «چسپنده» را به صورت «چسپنده» آورده است<sup>99</sup>.

۹. «فرشتگان» را به صورت «فریشنگان» به کار برده است<sup>100</sup>.

۱۰. در بعضی مواضع، صفات تفضیلی و عالی «تر» و «ترین» را به کلمه ماقبل آن چسبانیده و در بعضی مواضع، ضمائر اشاره «این» و «آن» را به کلمات پس از آن ها متصل نوشته است؛ بزرگترین را به صورت بزرگترین نوشته<sup>101</sup>، باریکتر را به صورت باریکتر نوشته<sup>102</sup>، این معنی را به صورت اینمعنی نوشته<sup>103</sup>، آن را به صورت آنرا نوشته<sup>104</sup>.

۱۱. «ا» آغازین کلماتی مانند «این» در کلماتی مانند: درین (در این)، اندرین (اندر این) افتاده است؛ «درین»<sup>105</sup>، «اندرین»<sup>106</sup>.

۱۲. در حاشیه بعضی صفحات نسخه خطی، مطالب اصلاح شده به دست کاتب و مرتبط با متن اصلی وجود دارد که با توجه به صحت مشابهت خطی و قراین معنایی و رعایت اصول تصحیح، در جای خود، در متن قرار گرفته است. در مواقعی که مطالب غیرمرتبط یا از خوشنویس دیگری بوده و هیچ علامتی وجود نداشته که نشان دهنده متن اصلی باشد، با ذکر عدد در پاورقی آورده شده است<sup>107</sup>.

دو نسخه دیگر از این کتاب موجود است و آن گونه که از متن این دو نسخه برمی آید، گویا «تلخیصی» از نسخه آستان قدس رضوی است.

**تلخیص اول:** نسخه متعلق به کتابخانه مدرسه خان یزد است که با شماره ۱۱۱ ضبط شده و دارای ۲۲۸ برگ است. این نسخه به خط نسخ تحریر یافته و سرفصل هایی با مرکب قرمز دارد.

این نسخه را چنان که در ترقیمه آن ذکر شده، خطاطی به نام عبدالرضابن محمد سعید الرازی، در سال ۱۰۹۰ق کتابت کرده است. در این ملخص، سعی شده در بسیاری مواقع، مطالب قسطاس الاطبا خلاصه شود؛ لذا، کاتب از عناوین کاسته و بسیاری از اسامی خاص و اماکن را حذف کرده و جالب این است که در چند جا

81- Ibid, B: 17.

82- Ibid: 28.

83- Ibid, A: 22.

84- Ibid: 43.

85- Ibid: 118.

86- Ibid: 2.

87- Ibid: 75.

88- Ibid.

89- Ibid.

90- Ibid: 116.

91- Ibid.

92- Ibid: 119.

93- Ibid: 4.

94- Ibid, B: 4.

95- Ibid: 9.

96- Ibid, A: 19.

97- Ibid, B: 13.

98- Ibid, B: 14, 35; A: 36, 55, 102.

99- Ibid, B: 83, 85; A: 71, 81, 86, 87.

100- Ibid, B: 31.

101- Ibid, A: 9.

102- Ibid: 67.

103- Ibid: 120.

104- Ibid, B: 67.

105- Ibid, A: 67, 81.

106- Ibid, B: 67.

107- Ibid, B: 37, 57, 60, 61, 65, 81,

122, 124; A: 63, 159.



هم مطالبی پر از غلط، به متن اضافه کرده است.  
 برخی ویژگیهای رسم الخط این نسخه به شرح زیر است:

۱. «پ» و «ج» اغلب به شکل امروزی با سه نقطه نوشته شده است: سپاس، پناه، پس، پهلوی، چیز، چشمه، چشم، چنانچه.
۲. «گاف» فارسی، همه جا به صورت «کاف» نوشته شده است: «رک»، «کرم»، «هرگاه» و «فرهنگ» که به جای رگ، گرم، هرگاه و فرهنگ نوشته شده است.
۳. اغلب همزه «است» را در کتابت حذف کرده و کلمه را متصل نوشته است: «اکوانست»<sup>108</sup>، «جسمیست»<sup>109</sup>، «واجیست»<sup>110</sup>.
۴. «های» غیر ملفوظه را در اتصال به علامت جمع «ها»، در کتابت حذف می کند: «کنارها»<sup>111</sup>، «میوها»<sup>112</sup>، «پارها»<sup>113</sup>.
۵. در نقطه گذاری غالباً مسامحه شده است: «کاخی چشم»<sup>114</sup> به جای کاجی چشم.

**تلخیص دوم:** نسخه ای است متعلق به کتابخانه دانشگاه تهران که به شماره ۵۶۴۲ ضبط شده و دارای ۱۸۷ برگ است که در هر صفحه ۲۱ سطر و گاهی هم ۲۳ سطر با خط نستعلیق نوشته شده است. در ترقیمه این تلخیص، نام کاتب ابوالحسن البصری ذکر شده و تاریخ کتابت آن سال ۱۲۶۸ق است.

صاحب این تلخیص نیز مانند تلخیص پیشین عمل کرده؛ یعنی برخی عنوان ها، اسامی خاص، اماکن جغرافیایی و مشتقات لغات را از متن *قسطاس الاطبا* حذف نموده است. البته، این تلخیص از برخی جنبه ها، شبیه به تلخیص پیشین است، ولی در تدوین برخی مطالب با آن تفاوت دارد؛ بنابراین، نمی توان قاطعانه قضاوت کرد که آیا تلخیص دوم از روی تلخیص اول کتابت شده یا ملخص مستقیماً این تلخیص را از روی کتاب *قسطاس الاطبا* و به تقلید از تلخیص مدرسه خان نوشته است.

برخی ویژگیهای رسم الخط این تلخیص به شرح زیر است:

۱. «پ» و «ج» اغلب، به شکل امروزی با سه نقطه نوشته شده است: سپاس، پناه، پیش، چکیده، چون.
۲. «گاف» فارسی، همه جا به صورت «کاف» نوشته شده است: «آکھی» و «اکر» که به جای آکھی و اگر نوشته شده است.
۳. «های» غیر ملفوظ را در اتصال به علامت جمع «ها» در کتابت حذف می کند: «پارها»<sup>115</sup>، «شاخها»<sup>116</sup>، «میوها»<sup>117</sup>.

### بحث و نتیجه گیری

به طور کلی، از معرفی کتاب *قسطاس الاطبا* و بررسی آن، می توان ادعا کرد که کتاب *قسطاس الاطبا* به دلایل زیر، از فرهنگ های بسیار معتبر فن پزشکی و بازمانده از دوره صفویه است:

- الف. مؤلف کتاب *قسطاس الاطبا* در حوزه های مختلف دانش زمان خویش، مخصوصاً دانش ادبی که سرآمد بسیاری از دانش هاست، تبحر داشته و خود بارها به صورت جسته و گریخته شعر هم سروده است؛ بنابراین، مهارت نویسنده، باعث شده که کتاب *قسطاس الاطبا* به نثر روان و ساده فهم نگارش یابد.
- ب. مؤلف کتاب های پزشکی مختلفی را مطالعه کرده و خلاف کتاب *تحفه حکیم مؤمن*، بسیاری اصطلاحات و داروها و بیماری ها را که به زبان هندی معروف بوده نیز، در این کتاب آورده است.
- ج. کتابهایی که مؤلف، نورالدین محمد شیرازی، برای اطلاعاتش استفاده کرده، همه از کتاب های معتبر و مطمئن است، از جمله: «حاوی» محمد بن زکریای رازی و «شفا» از ابوعلی سینا و «جامع ابن بیطار». این مسئله باعث می شود که این اثر نیز از منابع معتبر در تحقیقات به شمار آید و از ارزش و اهمیت علمی برخوردار باشد.
- د. این فرهنگ، براساس تعلیق و تلصیق (که منظور از آن باب و فصل است) تنظیم شده؛ ولی مؤلف در همین نظم و ترتیب مدنظر دقت بسیاری کرده است، به جز یک نمونه که به احتمال زیاد، باید از طرف کاتب روی داده باشد.

نتیجه مهم دیگری که از بررسی *قسطاس الاطبا*، حاصل شد، آن است که مؤلف از واژه های اصیل فارسی استفاده کرده و اغلب، معادل عربی و یا هندی آن را

- 108- Shirazi, 1090 LH, A: 1.  
 109- Ibid: 3.  
 110- Ibid: 4.  
 111- Ibid.  
 112- Ibid, B: 100.  
 113- Ibid, A: 65.  
 114- Ibid, B: 10.  
 115- Shirazi, 1268 LH: 56.  
 116- Ibid: 72, 95.  
 117- Ibid: 86.





نیز آورده است.

### References

- Anousheh H. *Persian Literature Encyclopedia; Persian Literature in the subcontinent*. Vol. 4. Tehran: The Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1380. [in Persian]
- Bahar MT. *Stylistics or the History of the Development of Persian Prose*. Vol. 3. Tehran: Zavvar; 1388.
- Derayati M. *The Glossary of Manuscript in Iran (Dena)*. Vol. 8. Tehran: The research center of the Library, The Islamic Legislature Documents centre; 1389.
- Dehkhouda AA. *Dictionary*. Vol. 1-16, Tehran: Tehran University; 1377.
- Sarmadi MT. *A Study of the world Medical History and treatment from the beginning to the present period*. Vol. 2. Tehran: Sarmadi; 1378.
- Shamisa S. *Prose Stylistics*. Tehran: Mitra; 1383.
- Mounzavi A. *The Joint Glossary of Persian Manuscript in Pakistan*. Vol. 1, Eslam Abad: Persian Research Centre of Iran and Pakistan; 1362.
- Mir MT. *Pars Famous Physicians*. Shiraz: Shiraz University; 1348.
- Shirazi NM. The Manuscript belongs to the Astane Ghoudse Razavi Library, No. 7675.
- Shirazi NM. The Manuscript belongs to the Library of Khan School in Yazd, No.111.
- Shirazi NM. The Manuscript belongs to the Library of Tehran University, No. 5642.





First page of *Ghestas-ol-Atebba*, Razavi Holy Threshold version, 11<sup>th</sup> century AH